



● ۲۰ زاین دیگر خود را ناگزیر نمی‌بیند در برابر هر دستور آمریکا
نمکین گند (نیوزویک)

● تحریم تجاري ایران به موضوعات مشاغل در انگلستان لعله می‌زند
(سازمانی تایمز)

● جنگ سرنوشت‌ساز منطقه جنگی است که خیانت آزاده‌بهری‌هیکنند
خطارنشان ساختند که علاوه بر عربستان سعودی کشورهای دیگری نظری
مصر، اسرائیل و ماکش نیز مورد مطالعه هستند. روزنامه هرالدتریون
نوشت: "در حال حاضر تیپ مهندسی ارشت آمریکا برای احداث تاسیسات
نظمی چندمیلیارد دلاری در عربستان سعودی اسقاطه آمریکا قرار-

جنانجه بحرانی در منطقه خلیج فارس بروز کرد و مردم ایران داده این سیاست
خواهد گرفت. روزنامه میزبور در جای دیگری مینویسد: "هرچه زمان
به پیش می‌بوده ایشان سیاسی امری اجتناب نایابی میگردد. زمانی
کیسینجر اعتراف کرد که آمریکا در مورد ایران دجاج اشتهای کرد و به
مسئله همیانی تحولات سیاسی و تحولات اقتصادی که داد. اینک در

مورد عربستان سعودی نیز همان اشتباه تکرار میگردد. لازم نیست به جبر
تایران مارکس با جامعه شناسان ماکس بر معتقد باشند تا به عارضه‌های
اجتماعی و سیاسی عربستان که ناشی از رشد سریع و نارس اقتصادی است
بپریم. عربستان ناکنفر باید به یک دوره تمام عیار صفتی شدن قدم

پنکارد. اما مذهب و طبقات ترکیب خطرناک را بوجود آورده‌اند. گروه
کثیری از روسانشینان به شهرها رو و دهانه این اقتصادی پسندیدند.
شاهدند که طبقه بازگران بمقیمیت فقر آنها نتویشند. کارگران همچو
که هستند. مجله عربی میزبور چنین نتیجه میگیرد که: "در صور طرح
مجازات‌های اقتصادی علیه ایران، زبان بی‌میل ترین یار آمریکا خواهد

بود".

با وجود شاه مخلوع به پاناما شور صد امپریالیستی در این کشور اوج نازم
ای یافت. فریادهای آمریکا از کم لطفی زایی، سایپرو اوکیتا وزیر-
پاناما کردید، کاملاً فروش نکرده بود که مجدد از گرفت. دانش-

سعودی برای فائق آمدن بوضعیت خود فصلت چندان ندازند.

این روزنامه سیس میزبور می‌نویسد: "در کنفرانس کارشناسان سائل اخوار میانه
که در لندن برگزار گردید، همکان براین عقیده بودند که حکام عربستان-

بدنبال اوح گرفت میازات مردم ایران علیه آمریکا طبیعت عربی بیش-

از پیش از انقلاب ایران دفاع میکنند. مجله الطیعه چاکوبی طی

سرمهای خود بالشاره به آماده باش و تجمع نیروهای آمریکا در برابر

کشورهای عربی و ایران میزبور می‌نویسد: "هدف از این آماده باش و نیروها

نهایی از ارادی کروکانها نیست بلکه هدف نهایی ادامه بوقاری پایگاهها

و نفوذ آمریکا در منطقه مصالح این کشور در نظره است. در این

میان ایران نهایی از خود بلکه از امت عرب نیز دفاع میکند". این مجله

سیس با اشاره به مانور نیروهای آمریکا در صحوه تهدید در مورد دخالت

در خلیج فارس و اشغال جاهای نفت و پیاده‌شدن سربازان آمریکائی در

بعضی از گروکانهای آمریکا واقع در کشورهای عربی، از وضع این کشورها

در این آمریکا انتقاد کرده و آنها را تهاجم کارگری مخالفند، همکی به موج جدید

روزنامه السفیر چاکلبان طی مقاله‌ای مینویسد: "جنگ اساسی و سرونشت-

ساز منطقه جنگی است که خیانت آن را رهبری میکند. این جنگ کی

از برجسته‌ترین پدیده‌های رازیان عاصم و چکیده‌ای از تمام جنگها دیگر

است. این همان جنگی است که ملت‌های مستفدوت از تهدید از انتقام از عربستان-

انقلاب سیاسی و اقتصادی آنها را یابین کند. عقوبت آن مده ازاعراب

که از این جنگ غافل بمانند سخت خواهد بود.

روزنامه الیت چاکلبان طی مقاله‌ای مینویسد: "احتلال حمله نظامی آمریکا بر علیه

ایران هنوز وجود ندارد و در آینده نیزچشم احتمالی وجود خواهد داشت.

زیرا سلطنتی از جوان ایران و آمریکا نامیده میشود، بکوشانی آمریکا

است میان اراده آزادی از آنها را یابین کند. عقوبت آن مده ازاعراب

قدرات ملتی بازی میکند. انقلاب ایران در صدد است باماكه شاماسب

در واقع آمریکا را بخاطر جوان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اش مهارمه

کشید. این انقلاب که تنها منحصر به ایران نیست و انقلاب تمام ملت‌های

است که زیرین و چاکلکی آمریکا در اینست خارج شود. روزنامه میزبور دریابان

مینویسد: "آیا انقلاب ایران در نبرد که آمریکا دستور حمله نظامی خود را

سئوال هنگامی مینوان پاسخ داد که آمریکا دستور حمله نظامی خود را

داد. این مذهب اینکه گردید.

امام در ج و کیمیهای خود را معرفت کردند. اینکه در باره این

سیدر که در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را به اینکه در جنگ از این مذهب اینکه گردید.

امام را

سابق را هم که چه در داخل و چه در خارج بوده‌اند می‌پرداخته، اینجاست که معلوم می‌شود که اگر چنین شخصی بخواهد "چهار متخصص به عنوان هیئت مدیره آنجا بگذارد"، با این وسیله چه کسانی را وارد تشکیلات می‌کند.

«گام بے گام» بے کجا..؟

۱۰۷

به سوخته بیشتر شدیه است که در جامعه انقلابی که افراد آن از زن و مرد و کودک توانستند یک چنین حماسه سکوهمندی را بیان فرمینند، آنوقت از لحاظ وجود انسانهای شایسته و انقلابی، اینقدر دچار قحطی باشیم. جالب اینجاست که بسیاری از این احزاب و دستگاهات، در چند سال قبل از پیروزی انقلاب که سختی مبارزه، بسیاری از نیروها را از میدان مبارزه، حقیقی بدرا برده بود، همچنان بحیات آرام خویش ادامه میدادند و در زمانیکه سفیر گلوله مبارزان خواب را از چشم دشمن در ریووده بود، اینان گهگاه تنها با صدور اعلامیه و این اواخر اعلان جرمی، اظهار وجودی میکردند. با استفاده از چنین فرمتهاشی است که امیر انتظام‌ها با بهرم کبری از چنین سوابط مساعدی بدون کذشت از هیچ یک از بونمهای آزمایش، تنها به صرف عضویت در فلان گروه بسادگی در مسند مهمترین مقامات قرار میگیرند و مسلماً صدھا فرد نظیر خود را نیز وارد ارکان انقلاب مینمایند، چرا که قرار گرفتن در راس حتی مهمترین پستها در تشکیلاتی آنچنان غلط‌خواه، بنیاد و تنها وجود همان روابط کافی، است.

پس از آنکه برای اولین بار اخبار مربوط به آقای عباس امیرانتظام، سخنگو و معاون دولت قبلی و سفیر سابق ایران در استکلهم را شنیدم. با خود اندیشه‌ها داشتم که علی‌رغم اینکه حادثی از اینکونه، دز انتشار نکارش شفقتی و تازگی اش را از دست داده و در گذشته‌های نه چندان دور نیز در رابطه با موقعیت حادثی نظراتمن را صریحاً بیان داشتمایم، آیا باز هم نکار آنچه گفته شده است باستگی دارد؟ آیا این بدور از انصاف نیست تا با دامن زدن به این چنین بحث‌ها و با طرح مجدد آن، کولمهار رنج و تالم ملتمان را، که خستگان تکرار این حوادث با نگرانی باینده مینگرد سینگین‌تر کنیم؟ و بالاخره این گفتن‌ها و نوشتن‌ها، کوچکترین تاثیری در فکرو اندیشه و راه و روش آنکه باید بگذارد، میتواند گذاشت؟ و سرانجام پاسخ خوبیش را اینچنین یافتم که آری! تا زمانیکه عوامل اصلی بزای نکار چنین حادثی وجود دارند، شکافتن علتها، عربیان کردن ضعفها و رسوا نمودن انحرافات، حتی اگر برای هزارمین بار هم باشد باستگی دارد. باید همچنان گفت و نوشت تا راه بر انحرافات پیکره مسدود گردد و تا آنکاه که شط خروشان انقلاب پس از گذار از تعامی پیچ و خمها در صرایق مستقیم بدربایی مواح پیروزی مستضعفان ریزد.

این را نیز بگوئیم که آخرین اظهارات آقای بازرگان و دفاع ایشان از آقای امیرانتظام، دیگر هیچ شههای برایمان باقی نگذارد که بهر حال تا زمانیکه اندیشه انقلاب از اینهمه پالودکی، پاک گردد، راه درازی در پیش داریم.

بکدار در همینجا گفته شود که درباره امپریالیسم بعنایه اساسی تمامی نابسامانیها و رنج سالیان ملتمنان بسیار گفته شده است، لکن آنچه کمتر بدان پرداخته گردیده شیوه و شگردها و تغییرموضعهای فریبکارانه این غول جهانخوار است.

در آن روزهای شکوهمندی که سیل توفنده هجوم خلق، ویران کردن تمامی پایه‌های کاخ ظلم و ستم را در هنگامهای از بازش گلوله و آتش و خون وجهه همت خویش قرار داده بود، آمریکای دغلگار دریافت که هر گونه ایستادگی و مقاومت در برابر این سیل خروشان، جز شکست و رسوائی، هیچ چیز برایش بارگان نخواهد آورد. لذا یامید بازگشت مجدد در فرضی مناسب، بیک عقب نشینی تاکتیکی دست زد،

در اینجا آنچه که طرح ضرورت میباید، تحلیل و شناخت زمینه هائی است که آمریکا میتواند از آن در جهت تحقق اهداف سومش سبود جوید و در این رابطه طرح چند سوال ضروریست.

- چه ضعفهایی در تفکر، بینش و طرز عمل دولت وقت وجود داشت که آمریکا را آنچنان نسبت به آینده امیدوار میساخت.

اصلاً چه ضایعه‌هایی در نظام فکری و سیاسی دولت حاکم بود که حتی جاسوسی سیا و یا در مورد معاونین وزارت بازرگانی عناصر ساواک، توانستند بسیاری، در چهره یک مبارز وطن خواه مدتها هردم را بفریبدند، تا جاییکه حتی رئیس دولت ادعا کند که در تمامی ایران کسی صادرت را شایسته از بعضی از آقایان برای همکاری نمیشناسد و مدد البته که ایشان این ادعا را از روی کمال صداقت هم مطرح میسازند. راستی بنیاد تمامی این اتفاقات در کجاست؟

پاسخها هر چه باشد. اصولی ترین آنها اینست:
در جوهر تفکر غیر انقلابی، تفکری که نام "سیاست گام بگام" را
بر خویش نهاد، تفکری گه دنیايش تنها در وسعت حزب و استهاد خلاصه
میشود و از دیدگاههاش مبارز و میهن پرست تنها کسی است که مهر چنین
حزمی را پرپیشانی داشته باشد.

شکست سیاست گام بگام را خصوصا در اوچ حیات سیاسی اش یعنی
دوران پس از انقلاب همه شاهد بودیم. باورمان بر این بود که حتی
ظراحان و مدافعین این تز نیز، پس از گذار از این آزمون اناموفق بخود
آیند و این باور یکسره بیگانه با تفکر انقلابی را، از صحنه اندیشه سیاسی
ایران بدور افکنند، لکن آخرین دفاع برادرمان بازرگان از این نظریه،
بمنابه نظریهای انقلابی، ما را برآن داشت که یکبار دیگر پرده از چهره
این نظریه بدور افکنیم و سیماه حقیقی اش را یکبار دیگر گذرا نظاره کنیم.
و شاید در این نظاره مختصر بتوانیم به بعضی از پاسخهای فوق نیز دست
پایابیم.

الف: آقای بازرگان، یکی از اعضاء نهضت آزادی ایران و از نظریه‌سازان ترکیم بکام، پس از قرار گرفتن در مقام نخست وزیری دولت موقت بعد از انقلاب، هنوز چند صباخی از آغاز کارش نگذشته در سخنرانی خود صریح اعلام میدارد "نظام موجود را به هوا نظمی که جانشینش نشده است برهمن زننید" (کیهان ۱/۱۲/۵۷).

مگرنه اینکه این نظام از بنیاد در رابطه با نیازهای رژیم شاهنشاهی سازمان یافته و تنها در خدمت چنان اهدافی میتواند بکار گرفته شود و اگر این درست است که اصولاً سرشت چنین نظامی یکسره با سرشت انقلاب در تضادی بنیادین قوار دارد، حفظ این نظام در هر شکل آن چه منافعی را برای انقلاب میتواند بهمراه داشته باشد؟

نتیجه چنین سیاستی خیلی زود آشکار شد، سرخورده‌گی نیروهای حمله‌انقلابی را که حین تشکیلاتی درین مدت ایستاده بودند محبوط سالم

چون اندیشه‌ی پژوهش‌پذیری همچو روش‌های تحقیق برای فعالیت باشد، لذا این نقطه‌ای آغازی بود برای افزایش تحمیلی نیروهای جوان. از سوی دیگر حفظ چنان تشکیلاتی برای بود با نگهداری زمینه‌ی فعالیت برای نیروهای ضد انقلاب، چرا که در آن تشکیلات ضوابط نیز میباشد همان ضوابط نظام پیشین باشد و معیارها نیز همان معیارهای دیرینه. چرا که وحدت شکل و محتوای بطور کامل محفوظ مانده بود. این اولین زمینه‌ای بود که میتوانست نفوذ عناصر ضد انقلاب را در ارکان گوناگون انقلاب ممکن نماید.

از ویژگیهای نظام گذشته یکی این بود که مکانیسم قرار گرفتن افراد در مراکز قدرت و تصمیم‌گیری و نیز سلسله مراتب اجتماعی، چگونگی "رابطه" ای بود که افراد میتوانستند در ارکان تشکیل دهنده آن نظام بوجو آورند. دوستیها و آشنازیها و قوم و خویشها وجود و استگاههای اینکونه تنها ضروریات احراز پستها و مسئولیتهای مهم مملکت بود. پس واضح است زمانیکه حفظ آن تشکیلات در دستور کار دولتمردان ما قدر میگیرد، لازماً این پذیرش تداوم همان ساز و کار روابط حاکم بر آن است امید آن میرفت که پس از سرنگونی نظام شاهنشاهی، در واگذار مسئولیتها "ضابطه" جایگزین "رایطه" کودد، لکن تنها جریانی که بـ دستگاههای اداری ما حاکم نبوده و اکنون نیز در بیشتر موارد نیست معيارها و روابط در خور انقلاب است.

لذا وجود و تداوم این روابط بر دستگاههای دولتی ما یکی دیگر زمینه‌های مساعد برای عمل عناصر ضد انقلابی است.

"البته بر مجموعه روابط قبلی نوعی جدیدی از رابطه نیز اضافه شاست و آن رایطه حزبی و سازمانی و گروهی است. آقای بازرگان اعلام میداردند "من بطور صريح میگویم افراد شاخته شده‌ئی مطمئن‌تر مناسبتر و پاکتر از این سه نفر یعنی دکتر یزدی، مهندس صباغیان و مهندس امیرانظام، من اگر پیدا کرده بودم، آنها را بعنوان معاونت در نخست وزیری می‌آوردم. (کیهان ۱/۲۶ ۵۸)

این دقیقاً میتواند بیان این امر پاکش که گستره‌ئی که ایشان در آن بجستجو عناصر شایسته مبپردازند به وسعت "نهشت آزادی" است، والا ایـ

سابق را هم که چه در داخل و چه در خارج بوده‌اند می‌پرداخته، اینجاست که معلوم می‌شود که اگر چنین شخصی بخواهد "چهار متخصص به عنوان هیئت مدیره آنجا بگذارد"، با این وسیله چه کسانی را وارد تشکیلات می‌کند.

هـ و بالآخره یکی دیگر از نمودهای "تذکار بکام" نه حاصل
 جبری دیگر نمودهای آنست که گوییز از توده و قوار گرفتن در مقابل آنان است
 و اینجاست که خطر بیش از هر زمان دیگری رخ مینماید. چرا که این دیگر
 نیازی بگفتن ندارد که توده‌ها دز و بازوی انقلابند. بحساب نیاوردن آنان،
 رخنه افکنند در پی و بنیاد انقلاب است. در برابر حملات و توطئه‌های
 ضد انقلاب هیچ پناهگاهی امن تر و آرامش بخش تر از آغوش مردم نیست.
 این امام است که با صراحة میگوید "تمام مسائلی که واقع شد، ما
 بعد از خدای تبارک و تعالی، مرهون ملت ایران و خصوصاً طبقه مستمندان،
 نه طبقه اشراف و اعيان و بالادستها هستیم... آنها زن و مرد صغیر و
 کبیر در هر وقت که اقتضا میکرد در خیابانها میرفتند و جلو مسلماهه
 هیچ ابا نداشتند و میگفتند بزن

حضور توده‌ها در صحنه نبرد بود که امیریالیسم را زیون و ذلیل ناگزیر بفار ساخت و مسلماً عدم حضورشان بهر دلیل، نفوذ عوامل امیریالیسم و عناصر ضد انقلاب را بهمراه خواهد داشت. تزکام بگام نه در پشت سر مردم، بلکه در نهایت در مقابلشان قرار میگیرد، چرا که رسالت خویش را در کند کردن آهنگ حرکت توده‌ها می‌یابد شکایت از "وضعیت انقلابی توده‌ها" بیان همین واقعیت است.

این نظریه بلحاظ اینکه فقدان یک درک روش از استقلال و مبارزه استقلال میباشد، در سیاست خارجی و بیویژه در حمایت از جنبش‌های جهانی‌نمی‌تواند از یک مشی انقلابی تبعیت کند، "انقلاب صادراتی" نیست "سیری بود که طرفداران این "نز" انفعال خویش را در قبال مبارزات دیگر مستضعفان جهان پشت آن پنهان میکردند. "انقلاب صادراتی" نیست "هر چه نیاشد، مقوله‌ای است کاملاً غیر انقلابی، چرا که دیگر امروز، این نیازی بگفتن ندارد که انقلاب پدیده است جهانی، انقلاب همچ مرزی نمیشandasد و در زمانیکه ضد انقلاب در گستره‌ای بوسعت کره خاکی دره ر نقدهای بساط‌غارنگرانه خویش را پنهن کرده است و جهانی عمل میکند، انقلاب نمیتواند خود را در محدوده‌های تنگ زندانی نماید. محدود کردن انقلاب، مرگ انقلاب است و تحریمه تاریخی دیگر انقلابات بهترین گواه این مدعی.

طرفداران این نظریه در طرفداری از انقلابیون و نه در ستیز با ضد انقلاب، نمیتوانند قاطعانه عمل کنند. در مورد قطع رابطه با مصر، هر روز بهانهای میاورند و آنقدر مسئله را به سکوت برگزار کردند تا امام خود قاطعانه فرمان قطع رابطه را صادر کرد. در مورد نیکاراگوئه، زمانی آن انقلاب را برسیت میستانسد که همزمان با امریکا این امر انجام میشود.

در اینجا پرسیدنی است که حلقة اساسی انحرافات نظریه گام بگام را در کجا باید جستجو کرد. پاسخ اینست: در درک انحرافی و بغايت بیگانه با انقلاب طرفداران این تزاز مسئله استقلال.

اظهار نظرهای بازرگان در مورد "استقلال" خود بیانگر حقایق بسیاری است. "ایران در هیچ زمانی مستعمره نبوده و استعمار نشده، بلکه همین استبداد بود که حافظ منافع استعمار بود.... اما جریانات ۲۵ ساله پاینترف باعث شد که مردم بیدار شوند و بدانند که دشمن اصلی ما، امریکائی ها، انگلیسی ها و روسی ها نیستند (که البته هستند) بلکه اصل کار استبداد شاه است" (کیهان ۱۹/۰۱/۵۲).

البته باید توجه داشت که جمله معتبرهایی که آقای بازرگان در پرانتز بیان داشته‌اند، بیشتر برای خالی نبودن عربیه است، چرا که پایان جمله ایشان که می‌گویند "اصل کار استبداد شاه است" یعنی اینکه واقعاً دشمن اصلی ما امریکا و نیستند".

این، بیان صریح طرفداران ترکیم بگام از مسئله استقلال است. زمانیکه وجود استعمار اینکونه انکار می‌شود، توقع می‌ازره با آن، از جانب حامیان این ترکیم، توقیعی است بی بهوده که هرگز تحقق نخواهد پذیرفت.

کهنه است که آقای بازرگان د. محمد حربانات "۲۵ سال" اخیر

مبارزات مردم ایران، حکمی صادر میکنند که شگفتی آور است. تاریخ
بزرگترین گواه باطل بودن این مدعاست.
نسل امروز لاقل، خود شاهد جریانات ۱۵ خداد بدیتسو بوده است
توجه به اعلامیه‌ها و نامه‌ها و خطبه‌های امام خمینی، از پانزده خرداد
بدینسو روشگر این واقعیت است که مبارزه استقلال، در جریان مبارزاتی
از ۱۵ خداد تاکنون هر روز دوام و قوام بیشتری یافته است و خمینی بزرگ
بیان راستین این مبارزه استقلال بوده و هست. او در زمانه‌های که بسیاری
از سازمانهای سیاسی و غیرسیاسی میخواستند راه حل جامعه را در توازن
قوای بیگانه جستجو کنند، پرچم استقلال را شکوهمندانه بر دوش کشید
در باره سلطه سیاسی، ۵ سال پیش از حمله اسرائیل و در دورانی که ا
جانب "روشنفکران اسرائیل" بهشت پیروزی سوسیالیسم تلقی میشد و د
سال قبل از اینکه قشون ایران در قشون امریکا ادغام شود، از حمله در د
سند تاریخی یک خط به عاشورای سال ۴۲ (۱۳ خداد) و دیگری اعلامی
اعتراض به مصنوبیت مستشاران امریکائی عیناً وضع آنروز ایران و امراء
منطقه را چنین می‌بیند "اسرائیل نمیخواهد در این مملکت احکام اسلام
باشد میخواهد اقتصاد را قبضه کند، میخواهد تجارت وزراعت
شما را از بین ببرد، میخواهد شروطها را تصاحب کند امروز اقتصا
ایران بدست امریکا و اسرائیل است"
فریاد ۱۲ محرم (۱۵ خداد) که رساتر و رساتر جریان یافت
فریادی بود که خلق از دهان خمینی بزرگ سرداد و سرانجام در شعبـ
"استقلال" آزادی، جمهوری اسلامی پایه‌های رژیم جهنمی پهلوی را در ھ
نوردید.

گفتند است که حتی در تمام دوران انقلاب که شاعر مردم "استقلال آزادی، جمهوری اسلامی" بود. عناصر متفرقی "چه شعار میدادند" "انتخابات آزاد" "کابینه ائتلافی" و همواره در رفت و آمد بدریار، رحلهای خویش را جستجو میکردند. بنابراین در جریان متضاد در بط انتقال ایران رو در روی هم قرار گرفتند. جریانی که استقلال - آزادی قدم اول راه استقرار جمهوری اسلامی میشناخت و جریانی که استقلال وهم میبینداشت و تمامی تلاش برآن بود تا در چهارچوب مصالح مشتر ایران و امریکا آزادیها را در ایران برقرار کند.

اینچنین است که این سمت حرکت نظریه، با خواستهای امپریالیست همسو میگردد و امیر انتظامها، یکی پس از دیگری آفریده میشوند. مگ امپریالیسم چه میخواست؟ امپریالیسم با تبلیغات گوناگون و دستهای مر و نامرئی اش میخواست که "آزادی" بدست آمده پس از انقلاب را برای مردم "هدف" نماید، و بدین ترتیب ملت را باین "آزادی" دلخوش کند استقلال را همچنان برای خویش محفوظ بدارد.

بهر تقدیر اینهاست، جوهر این جریاناتی که نفوذ و زمینه عظیم ترین انحرافات را در بطن انقلاب فراهم میاورد و آنچه که باید ب آن مبارزهای قاطع تدارک دیده شود، وجود چنین نظریات و اندیشهه تمام غیر انقلابی، در بطن انقلاب است.

دروآپسین سخن طرح این سؤال بایستگی میباید که "کام بکام" به کجا... والس

«گام یہ گام» دہ کھا۔؟

ه شوخی بیشتر شبیه است که در جامعه انقلابی که افراد آن از زن و مرد کودک توانستند یک چنین حماسه شکوهمندی را بیافرینند، آنوقت از حفاظ وجود انسانهای شایسته و انقلابی، اینقدر دچار قحطی باشیم. جالب اینجاست که بسیاری از این احزاب و دستگاه‌ها، در چند سال قبل ز پیروزی انقلاب که سختی مبارزه، بسیاری از نیروها را از میدان مبارزه، حقیقی بدر برده بود، همچنان بحیات آرام خویش ادامه میدادند و در ماینکه سفیر گلوله مبارزان خواب را از چشم دشمن در ریوده بود، اینان همگاه تنها با صدور اعلامیه و این اواخر اعلان جرمی، اظهار وجودی میکردند. با استفاده از چنین فرصلهایی است که امیر انتظام‌ها با بهره‌مندی از چنین شایط مساعدي بدون گذشت از هیچ یک از بونهای آزمایش، تنها به صرف عضویت در فلان گروه بسادگی در مسند مهمترین مقامات نژاره میگیرند و مسلم صدھا فرد نظری خود را نیز وارد ارکان انقلاب مینمایند، چرا که قرار گرفتن در راس حتی مهمترین پستها در تشکیلاتی نجناوی غابطه‌ای نیاز ندارد و تنها وجود همان روابط کافی است. ج - یکی دیگر از مسائلی را که بارها و بارها توسط طرفداران نظریه کام بکام شنیدیم، گله و شکایت از ضابطه "قطط الرجال" در مملکت بود. زمانیکه کسانی حفظ تشکیلات و روابط فیل از انقلاب و عمل در چنان تشکیلاتی را وجهه همت خوبی قرار میدهند، ضرورتاً مسؤولیتها را باید به کسانی واکذارند که مشخصات و توانمندیهای درخور آن تشکیلات را دارا باشند، لذا "رجال" در اینجا معنای خاصی میباید. معنایی که در چهار جوب آن روابط و تشکیلات قابل فهم است.

بسی شکفت انگیز و دردآور است، در حالیکه اسعدادهای عظیمی در سطوح کوناگون جامعه بلا استفاده مانده و به بهانهای گوناگون یا بکار گرفته نمیشوند و یا نمیتوانند خود را راضی کنند تا در چنان تشکیلاتی با تلاف وقت بپردازند، طرفداران تز "کام بکام" از فاجعه "قطط الرجال" مبنایدند و علت العمل بسیاری از عدم موفقیتها را در حل معضلات

انقلاب در فقدان این "مائدههای آسمانی" میدانستند.
امام بارها و بارها اظهار میدارند که تعامی امیدشان بر همین
تودههای پاپرهنه، به همین طلبهها و دانشجویان و بهمین زنان و مردان
جان برگزی است که بدون هیچ ادعائی با دستهای تهی لکن، سرهای پسر
شور و دلهای مملو از ایمان هر لحظه جان برگ آماده ایثارند، لکن
دولتمردان ما حل مشکلاتشان را تنها در وجود این "تافتههای جدا بافته"
جستجو میکنند.

البته ما نیز در این امر با دولتمردانمان هم عقیدهایم. ما نیز بر
این عقیدهایم که در این مملکت قحط الرجال است.
چوا که اگر چنین نبود امروز ملت ما، همان کارگران و دهقانان
عامی و بیسواند، لکن شرافتمند و وطنخواه و نیز این جوانان "هنوز به همه
چیز نرسیده" این فرصت را نمیافتدند. تا در یکی از عظیم ترین نبردهای
تاریخ، آفریننده چنان پیروزی شکوهمندی باشند.

اگر یک چنین قحطی مبارکی وجود نداشت، آنان بر ما غلبه کرده
بودند و امکان میافتدند تا با هزاران پند و اندرزهای پدرانه و اداره‌مان
کنند تا با آقای بختیار و شورای موقع سلطنت و ... کنار بیاییم.
و بالاخره اگر چنین قحطی نمیبود، مردان و زنان و کودکانمان
فرصت نمیافتدند تا با سینههای برهنه خود در مقابل توب و تانکومسلسلها
به چنان نبرد نابرابری دست بزنند و باید همچنان منتظر میبودند تا
"رجال" شان مسائل را از طریق مذاکرات با مقامات "ذی صلاحیت"
بگونه‌ای "عاقلانه" و "منطقی" و "متاسب با سیاستهای زمان" حل کنند.

اقای بازرگان در ۲۵ فوریه دین ماه در یکی از سخنرانیهای میکوید مشکل ما اینست که دیگر مردم تعاون ندارند و می‌خواهند چه در سطح کار- خانه‌ها و چه در سطح اداره‌ها، پلیس و ارتش، مدیران خود را خودشان انتخاب کنند و این نمیتواند عملی شود چنانکه در هیچ کشور دنیا، حتی در کشورهای کمونیستی نیز عملی نشده است، مشکل اصلی اینست که ملت هنوز در وضعیت انقلابی است و حال آنکه ما یک دولت عادی هستیم که برای انتقال قدرت آمداییم. یک دولت انقلابی نیستیم، شاید دولتی که در آینده انتخاب خواهد شد، انقلابی باشد" (آیندگان ۱/۲۵ آیندگان ۵۸)

انقلابی تهی است . در چنین شرایطی مسلم است که "در وضعیت انقلابی بودن " نه یک ارزش ، که یک خدا ارزش تلقی میگردد . و مسلم است که در چنین جو و محیطی امیر انتظام ها صاحب ارزش میشوند و کمبودشان در جامعه فاجعه ای غیر قابل جبران تلقی میگردد . آقای بازرگان مشکل را خوب دریافته بودند آنجا که اظهار میدارند " که دیگر مردم تمايل بكار ندارند " این سئوالی است که ایشان میبايست خود پاسخ را جستجو میگردند ، که چگونه است که همان کسانیکه تا قبل از انقلاب حتی از جان خویش میگشند امروز در زمان پیروزی انقلاب و پس از بر جا گذاشت هفتاد هزار شهید دچار چنین دلسردی و بی علاوه کی درآوری شده اند ؟ لکن آقای بازرگان دادامه سخنرانیها را پاسخ خویش . امتیاز استند سایند آجرا که مگهیند

در این ماده مبتداً پیش از آن "میخواهند چه در سطح کارخانه‌ها و چه در سطح اداره‌ها، پلیس و ارتشد مدیران خود را خودشان انتخاب کنند".
براستی که چنین است، زیرا آنان باین نوع انتخابیه‌ای که برای شمار انجام شده ایمان ندارند. آنان در آن روزهای گلوله و آتش و خون که این آقایان را در میان خویش دیده بودند، آنان بهایت این کیوترا را دوپرجه بهتر از سیاری از ما آگاهی دارند. آنان با ذره ذره وجودشان قیمت گرفتی را که برای این انقلاب برداخته‌اند احساس میکنند.
بدبختانه یا خوشبختانه، نمونه‌های بسیاری برای اثبات ادعاهای آن "مردم" وجود دارد. در رابطه با چنین اموری بود که یکبار آقا بازرگان در آبادان نفتگران را مخاطب قرار داده اظهار داشتند "... شاین را از آقای نزیه میخواهید، ولی از آنطرف به محض اینکه آقای نزیه میخواهد چهارتاً متخصص به عنوان هیئت مدیره آنجا بگذارد جلوی او میگیرند و اصلاً هم حرف سرشان نمیشود. دائمًا فشار می‌آورند که این است، طاغوتی است، اختلاس کرده است و همه هم اتهام و دروغ ... (جمهوری اسلامی ۱۴۰۶/۲۷) و امروز دیگر ثابت شده است که آن سخنان نه اتهام ناروا بوده است و نه دروغ، بلکه حقیقت‌هایی تلخ بودند و آنان که این حقیقت‌های را میدیدند دردمدانه فریاد میکردند، تا سرانجام فریادشان را بگویند امام رساندند و آنگاه روشن شد که هیچ دروغ نبوده است و امر و امور معلوم شده است که آقای نزیه ماهی ۶۰۰۰۰ نومان از بیت الما این ملت فقیر حقوق برداشت میکرده و تعامی حقوق و مزایای عوامل رژی

قصه را سکوی مردم!

ابودر مردی از قبیله غفار بود و بگفته محمد (ص) راستکوتراز ابودر، آسمان و زمین ندیده است. او مردی بود لاغر اندام و بلند بالا و اولین کسی بود که قبل از ظهر اسلام به وجود خدا پی برد و نماز خواند. وقتی مردم از همه‌جای عربستان به زیارت پنهان خانه کعبه میرفتند. ابودر بدون توجه به پنهان خدا را در توی وجود خودش می‌جست. مدتها بود که خدای یکتا را پیدا کرده بود، اما نمیدانست که چگونه آن با کسان دیگر حرف بزند. یکوروز با برادرش جلوی در خانه نشسته بود. مردی از راه رسیده از مردمی که خودرا فرستاده خدا میدانست حرف زد. ابودر برادرش را به مک فرستاد تا از ظهور بیغمیر جدید بخیر بیاورد. اینیس برادر ابودر به مک رسول اکرم را دید و بیش ابودر برگشت، اما از حرفهای او چیزی نتوانست به ابودر بگوید و بهمین خاطر ابودر خود بار سفرش را بست و به مک رفت.

— ابودر قلیش را به محمد داد —

ابودر پس از چند روز که در مک سرگردان بود. بوسیله علی (ع) خدمت بیغمیر رسیده و اسلام را پذیرفت مگویند، حضرت محمد پس از اینکه ابودر اسلام را قبول کرد به او گفت: «باشد فعلاً به کسی بگویی که مسلمان شده‌ای، چون حتماً ترا اذیت خواهد کرد. ولی ابودر پس از آنکه از خانه پیغمیر بیرون آمد بکراست به بالای یک بلندی رفت و گفت: ای مردم جمع شوید و وقتی همه جمع شدند با صدای بلند فریاد زد، گواهی میدهم که هیچ خدایی نیست جز خدای یکتا و گواهی میدهم که محمد فرستاده خدا است. مردم کافر و از خدا بی خبر قریش با شنیدن این حرف به خدا رسیده و آنقدر او را زدند تا از هوش رفت ولی فردای آنروز یکار دیگر اینعمل را تکرار کرد.

خلاصه، ابودر از که به میان قبیله خودش برگشت و آنها را هم به دین اسلام دعوت کرد و پس از ایمان آوردن مردم قبیله‌اش برای همیشه به مک رفت و در آنچنان شکن شد. و در مدتینه او از کسانی بود که روی کوههای پیغمیر نزدیک خانه محمد مخصوصاً داشت. در سال ششم هجرت وقتی پیغمیر معرفت ابودر را چنانش خودش در مدتینه شد و آینش دستور را می‌خواست که می‌داند که قدرت او اطمینان داشته است. ابودر پس از چند سال ازدواج کرد و زندگی با بیان سکو (صفه) را ترک کرد. خانه‌ش چادر کوچکی بود بروی تپه کوچک خارج از شهر مدینه - پس از رحلت پیغمیر روی کار آمدن ابودر دست زن و نهنا دخترخواه را گرفت و به شام رفت و دنی در آنچه به رهبری سلمانها مشغول شد. او امیدوار بود که

علی (ع) پس از خلیفه دوم به خلافت بررسد، اما اینطور نشد و عثمان به خلافت رسید، ابودر همیشه از رفتار زشت و ستمگرانه اطرافیان و کاشتکان عثمان انتقاد میکرد. تا آنچه که بدستور عثمان به شام تعیید شد ابودر وقتی به شام وارد شد معاویه را دید که مشقول ساختن کاخ سیز بود و گفت: ای معاویه اگر این کاخ را از مال مردم می‌سازی خیانت است و اگر از مال خودت درست میکنی اسراف است و این هر دو در اسلام حرام است اغراض ابودر به معاویه یا کسانی که مانند معاویه بودند در اینجا بیان نهی بذیرد. وی هر روز بینوایان و ندارها را دور خود جمع میکرد و آنها را بر شرکت در مال مردم ثروتمند بزرگ اینگیخت تا جایی که توائکران از دست او عاجز شدند و به معاویه شکایت کردند معاویه املاک و عمارت‌های بسیاری را میگیرد و هزاران دینار برای تحمل و تشریفات آن خرج میکند.

روزی معاویه او را پیش خود خواند و گفت: ای ابودر دست از شورش بردار. ابودر گفت به خدا قسم که برخواهم داشت تا زمانی که شوتندند مال خود را بین ندارها تقسیم کنند. سپس گفت ای معاویه تو با این کاری که در پیش گرفتهای ثروتمند را ثروتمندتر کردی و ندار را ندارت کردی. معاویه مجبور شد او را پیش عثمان ببرد ابودر با او نیز همان حرفها را پیش گرفت که بارها به زبان آورد و دست آخر عثمان او را به زبانه یکی از روستاهای دورافتاده تبعید کرد ابودر در سال ۳۲ هق در آن روستا از گرسنگی جان ببرد. لذا ما دانش‌آموزان و ما جوانان انقلاب اسلامی راه ابودر را پیش گرفته و راه اورا دنیاگیریکنی وظیفه مابش از دورانهایی است که بیخواستیم آزادی خود را بدست بیاوریم لذا ما هم باید بفرمان رهبر از کارکنان روزنامه انقلاب اسلامی خواهش میکنم که این مقاماتی که در باره ابودر بود در روزنامه جا پنداش کنند.

آرآن سیدمهدي بازاری کلاس دوم راهنمای مدرسه شهید علی خدمتی.



و شمشتی از نامه‌اش

کند تا در روزنامه از آن استفاده شود. و اسلام آنرا حرام علام

کرد. و اسلام آنرا حرام علام

کرد. باشند. اطاعت سریع از امر رهبر: یعنی همه را با دستور پر همکاری کنند تا

بتوانند بهتر از امریکا مبارزه کنند و

به نظر من ۵ شرط است که ملت برای

بازاره با امریکا میتوانند داشته باشند:

۱- اطاعت سریع از امر رهبر: یعنی همه را با دستور پر همکاری کنند تا

بتوانند بهتر از امریکا مبارزه کنند.

۲- دوری از عرقه: از متفرق شدن بیرونیزند تا با هم متوانند امریکا را

بیرونیزند همکاری کنند و یا صوفی فرهنگ شر

ایرانیکاری را از تمام حیان برکنند.

۳- تولید بستره و صرف کمتر: ملت مایه‌دندانکاری امریکا از راه اقتصادی

هم وارد نمیشود و اگر ما بسیار

محتاج بینند بمعنای این است که از

ما غله ضعف و پریشانی گرفته است

که کمی دلیل هم باید صرف را

ما اگر در حنگ شخاع باشیم و مترسم

و مانند حسین شهید هستیم میلیون حسین داریم.

۴- دوری از اختصار: یعنی از عوامل

حسی کتاب را در خانه ایشان

میکند.

۵- مدارس علمی: بحث در مدارس:

حرفهای خوارزمی: جایی که "بحث در کلاس منوع، در هر چیز مدرسه

آزاد" نمی‌دانم برای ماسه مالی

قبل از شبانه‌نامه ماده‌های خوشابند

و عصرها و روزهای می‌آمد.

ماه‌گذشته مثل طرح طبل ملی

"پیشنهاد دیگر" چوب لای چرخ رفت!

با رساله کلاس خوارزمی، حداقل

که سطح معلومات پائین بود

دریس "دینی، ورزش و هنر را

میگوییم!

۶- داران است!

دینی که وظیفه شناسی درس دادن

را دارد، از طلبه‌های حوزه‌های

علمی استفاده کنند که حداقل اش

این است که در کمودی علم، شاید

۵ تا ۷ هزار معلم شناسنامه

امال شهریه ۳۰۰۰ تومان کلاس

میگوییم!

۷- داران است!

دینی که وظیفه شناسی درس دادن

را دارد، از طلبه‌های حوزه‌های

علمی استفاده کنند که حداقل اش

این است که در کمودی علم، شاید

۵ تا ۷ هزار معلم شناسنامه

امال شهریه ۳۰۰۰ تومان کلاس

میگوییم!

۸- داران است!

دینی که وظیفه شناسی درس دادن

را دارد، از طلبه‌های حوزه‌های

علمی استفاده کنند که حداقل اش

این است که در کمودی علم، شاید

۵ تا ۷ هزار معلم شناسنامه

امال شهریه ۳۰۰۰ تومان کلاس

میگوییم!

۹- داران است!

دینی که وظیفه شناسی درس دادن

را دارد، از طلبه‌های حوزه‌های

علمی استفاده کنند که حداقل اش

این است که در کمودی علم، شاید

۵ تا ۷ هزار معلم شناسنامه

امال شهریه ۳۰۰۰ تومان کلاس

میگوییم!

۱۰- داران است!

دینی که وظیفه شناسی درس دادن

را دارد، از طلبه‌های حوزه‌های

علمی استفاده کنند که حداقل اش

این است که در کمودی علم، شاید

۵ تا ۷ هزار معلم شناسنامه

امال شهریه ۳۰۰۰ تومان کلاس

میگوییم!

۱۱- داران است!

دینی که وظیفه شناسی درس دادن

را دارد، از طلبه‌های حوزه‌های

علمی استفاده کنند که حداقل اش

این است که در کمودی علم، شاید

۵ تا ۷ هزار معلم شناسنامه

امال شهریه ۳۰۰۰ تومان کلاس

میگوییم!

۱۲- داران است!

دینی که وظیفه شناسی درس دادن

را دارد، از طلبه‌های حوزه‌های

علمی استفاده کنند که حداقل اش

این است که در کمودی علم، شاید

۵ تا ۷ هزار معلم شناسنامه

امال شهریه ۳۰۰۰ تومان کلاس

میگوییم!

۱۳- داران است!

دینی که وظیفه شناسی درس دادن

را دارد، از طلبه‌های حوزه‌های

علمی استفاده کنند که حداقل اش

این است که در کمودی علم، شاید

۵ تا ۷ هزار معلم شناسنامه

امال شهریه ۳۰۰۰ تومان کلاس

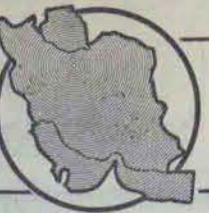
میگوییم!

۱۴- داران است!

دینی که وظیفه شناسی درس دادن

را دارد، از طلبه‌های حوزه‌های

علمی استفاده کنند که حداقل اش



مسئلَّت

- پرقدار کردن رژیم پلیسی.
- آن بین بردن موکر متعدد تصمیم‌گیری در باره امنیت و طلب همکاری از مردم.

ما نیتوانیم طریق اول را برگزینیم چرا که بازگشت به رژیم پیشین است. نیازیم را باید برگزینیم. ابتکارات فردی و گروهی باید جای خود را بابتکارات قانونی بسیند و تنها نمایندگان قانون حق داشته باشند در حدود قانون عمل کنند.

خواهان و برادران من، شکوفائی معمونیت نوی در ایران و جهان در

بمحبود بحران اخلاقی و معنوی است. در این انقلاب انسان نوی ولادت پیدا کرده است انسانی که متناوباند به تحریج تازه دست زند. بدینالی غرب نیفتند و صف را طولانی نکند، بیشباش و امام وار راه بافق‌های نو بکشند. در این انقلاب انسان مایوس و درمانده و سرگردان باید از ایاس بدآید و انسانی با هیجان کار، با امید و شادیزگار بگرد.

ایران در اسلام زندگانی واقعی را از سرگرفته است. نایاب اجازه داد که پست و ندنی عصر پهلوی بازیابد و روشنایی در کار آیند که چهاره انقلاب را لجن آلد می‌سازند. انسان در ایران، در رژیم اسلامی باید همه منزلت و همه آزادگی را بازیابد. نایاب اجازه داد، رقابت‌ها مسدود کردن دارایی‌های ایران در سفارت آمریکا در تهران و نیز مسکونی و خرد ۷۶۷۰ واحد سکونتی به رای جران کشید. می‌شوند گفت که مسئله ایالات منحده موافق نبود با این

برای این کار سالم اگر امکان‌پذیر و وجود اقدام نیز مخالفت خواهد کرد.

وی با اشاره باشند، تمام مطلب که مردم ایران دوستی و احترام و روزگاری را در اختصار وزارت بهداشت

بگذارند و وزارت بهداشت هم با این محسوب می‌شوند گفت که مسئله سفارت باید از راههای هم‌هاشک

شده حل و فصل گردد.

نایاب اجازه داد که محروم جامعه بعلت محرومیت‌های مادی و همچنان گرفتار فقر معنوی بمانند. باید به محرومیت‌های شان خانم داد.

نایاب اجازه داد که روش‌های تخریبی، روش‌های حکومت بگذند و هیچ امنیت خاطری برای کسی باقی نگذارد.

حقیقت و راه یابی برای اعتلای انسان، با استفاده از هر وسیله بجان بیکدیگر بیفتد و ایران را نایشه باشند و نایاب این را نایشه باشند.

خواهان و برادران من، از عهده برآمدن مسئولیت‌های سگن بالا

است. رها نکرد هدفها تا تحقق آنهاست. به حکم وظیفه، به حکم مسئولیت شناسی در قبال اسلام و ایران اسلامی خود را داوطلب اخراج

مقام ریاست جمهوری می‌کنم. مسئولیت تبلیغ این مردم را برعهده تو خواه و تو برادر می‌گذارم تا در همه شهرها و روستاهای زبان این داوطلب بگردی و کشور را برای موقوفیت وی در شرکت‌ها و تندی‌ها بسازند.

از خداوند شهامت و توانایی مسئلت می‌کنم. ابوالحسن بنی صدر

کنفرانس ایجاد‌هاهنگی و توسعه استقلال صنایع

ایران تشکیل شد

تهران - خبرگزاری پارس -

کنفرانس ایجاد‌هاهنگی و توسعه استقلال صنایع ایران در

زمینه ساخت قطعات صنعتی بعد از

ظهر دیرور با شرکت وزیر صنایع و

معدان مسولان وزارت دستگیریها

دانشگاهیان بین‌المللی ایران گشایش یافت.

تهران - خبرگزاری پارس - سینیار

رهایی از سلطه ضعیتی آمریکا و

بررسی منشکان متعنگان ساعت ۱۰

صیح امروز در سال کنفرانس محل

دانشگاهیان بین‌المللی ایران

ایران گشایش یافت.

در این سینیار که مدت دور روز

ادامه خواهد یافت وزیر دفاع ملی

معاون وزیر از رکاری و صنایع و

معدان و نمایندگان نیروهای سه‌گانه

ارتش جمهوری اسلامی ایران جمعی

از استادان دانشگاه علوم و فنون و

گروهی از منتقدان و تولید کنندگان

کان ایرانی شرکت خواهد داشت.

در این سینیار از طرح مسائل و

مشکلات موجود ساخت قطعات

صنعتی در داخل کشور راه حل‌های

مناسب و ممکن توسعه تولید کنندگان

و صنعتگران نمایندگان شرکت کنندگان

و سوئلین ام از اینه خواهد شد و در

آخرین جلسه سینیار مسولان مملکتی

به پرسش‌های خود کارکنندگان

از استادان اینه شرکت کنندگان

پاسخ خواهد گفت.

است.

برگزار کنندگان میتینک محاکوم شدند

شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی

مرکز رای خود را در مردم

دوست از برگزار کنندگان میتینک

و ۴۰ رضا معاون به ۷ سال زندان

طردگاران قانون اساسی در زمان

زندان. نامبرده با توجه به عفو

امام از زندان آزاد شد.

رئیس جمهور... از صفحه ۲

قراردادن، همان تلاشی اجتماعی و همچنانه تحملی از جانب سلطنت

است. زن و مرد در جامعه اسلامی و در خانواده بعنوان واحد پیشنهادگر،

از غیرپرسته از آزاد پیشنهادند. ازدواج از تمدن و تکرار قدرت‌های امنیتی و اقتصادی و

بعنوان واحد پیشنهادگر از غیرپرسته آزاد کرد. خانواده بعنوان محل عقد

و گره قدرت‌ها، جای خود را به خانواده، تجای گاه توحید خواهد سپرد.

خلاصه کنیم: رئیس جمهور باید بتواند بیان و مظهر استقلال کشور

گردد باید این امر همراه تأکید شود که نجات ملت ما تنها از یک طریق

امکان پذیر است و آن حرکت در خط استقلال همه‌جانبه بیانی، اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی استخطی که خمینی بزرگ مظہر راستین آن است.

بیش استقلال همراه با برنامه عملى بزرگترین خصیصه یک رئیس جمهور را

باید تشکیل بدهد.

دولت کویت کمبود پر شک و دار و رفع خواهد شد

کویت ۲۶ دسامبر خبرگزاری فرانسه

شیخ صباح الاحمد الصباح وزیر

خارجی کویت دیروز گفت که گشوش

با هرگونه پیشنهادی از سوی شورای

امنیت سازمان ملل آمریکا

تدابیر خواهد کرد که در تاریخ ۲۷ دی

کویت گفت همانطور که کویت با

مسئله اشغال و گروگان‌گری در

سفارت آمریکا در تهران و نیز

مسوده کویت دارایی‌های ایران در

ایالات متحده موافق نبود با این

دادگاه از این طبقه بود

با این مشکل

نایاب اجازه داد که محروم جامعه بعلت محرومیت‌های مادی و

همچنان گرفتار فقر معنوی بمانند. باید به محرومیت‌های شان خانم داد.

نایاب اجازه داد که روش‌های تخریبی، روش‌های حکومت بگذند و

هیچ امنیت خاطری برای کسی باقی نگذارد.

حقیقت و راه یابی برای اعتلای انسان، با استفاده از هر وسیله بجان

بیکدیگر بیفتد و ایران را نایشه باشند.

خواهان و برادران من، از عهده برآمدن مسئلت می‌کنم. ابوالحسن بنی صدر

کنفرانس ایجاد‌هاهنگی

سلطه صنعت امریکا

امروز گشایش یافت

تهران - خبرگزاری پارس -

کنفرانس ایجاد‌هاهنگی و توسعه استقلال صنایع

ایران تشکیل شد

تهران - خبرگزاری پارس - سینیار

رهایی از سلطه ضعیتی آمریکا و

بررسی منشکان متعنگان ساعت ۱۰

صیح امروز در سال کنفرانس محل

دانشگاهیان بین‌المللی ایران

ایران گشایش یافت.

در این سینیار که مدت دور روز

ادامه خواهد یافت وزیر دفاع ملی

معاون وزیر از رکاری و صنایع و

معدان و نمایندگان نیروهای سه‌گانه

ارتش جمهوری اسلامی ایران جمعی

از استادان دانشگاه علوم و فنون و

گروهی از منتقدان و تولید کنندگان

کان ایرانی شرکت خواهد داشت.

در این سینیار از طرح مسائل و

مشکلات موجود ساخت قطعات

صنعتی در داخل کشور راه حل‌های

مناسب و ممکن توسعه تولید کنندگان

و صنعتگران نمایندگان شرکت کنندگان

و سوئلین ام از اینه خواهد شد و در

آخرین جلسه سینیار مسولان مملکتی

به پرسش‌های خود کارکنندگان

پاسخ خواهد گفت.

است.

برگزار کنندگان میتینک محاکوم شدند

شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی

مرکز رای خود را در مردم

دوست از برگزار کنندگان میتینک

و ۴۰ رضا معاون به ۷ سال زندان